



تأثیر زبان فارسی و اوضاع اجتماعی و فرهنگی هند در عصر شاه جهان بابر

اوضاع اجتماعی و فرهنگی عصر شاه جهان

دکتر سید جعفر حمیدای

شاه جهان، ابومظفر محمد شهاب‌الدین (جایوس ۱۰۳۷ عزل ۱۰۶۸) فرزند جهانگیر شاه عالمگیر از پادشاهان بابر یا گورکانی هند است که به مغول کبیر شهرت دارد. او پس از درگذشت پدرش جهانگیر به سلطنت رسید.

(بازر) لقب محمد ظهیرالدین پسرعمو شیخ نواده پنجم تیمور گورکانی و متولد ۸۸۸ هـ. ق در فرغانه بود که دولت گورکانی یا بابر یا مغول هند را تأسیس و از سال ۹۳۲ تا ۹۳۷ هـ. ق مطابق با ۱۵۲۵ تا ۱۵۳۰ م در هند سلطنت کرد.

بابر از نژاد مغول بود که پرورش ایرانی داشت و در هنگام پادشاهی خود کوشید تا زبان فارسی را در شبه قاره هند گسترش دهد. او از طرف مادر به چنگیز و از سوی پدر به امیر تیمور می‌رسید (در هنگام تولد نامش را ظهیرالدین و به خواسته پدر بزرگش دبابی (یا بیر) نهادند و همین نام بعدها شهرت جهانی یافت). پدرش میرزا عمر شیخ والی فرغانه ماوراءالنهر بود که یکی از ایالت‌های ایران بشمار می‌رفت. مادرش مغول و مادر بزرگش ایران نام داشتند که از اعتقاد چنگیز بودند. بابری از مرگ پدرش عمر شیخ به حکومت فرغانه رسید و در اندک مدتی صاحب قدرت بسیار شد و به هند تاخت و در مدت

کوتاهی به شبه قاره هند دست یافت و حکومت خاندان بابر یا گورکانی هند را در دهلی بنیان گذارد. پس از او پسرش همایون فرزند وی اکبر شاه، سپس جهانگیر شاه و بالاخره شاه جهان و فرزندانش داراشکوه و اورنگ‌زیب به سلطنت رسیدند.

می‌توان گفت پس از خاندان بهمنی که از ۷۴۸ تا ۹۳۲ هـ. ق بر قسمت‌های وسیعی از هند حکومت کرد و در زمان خود موجد بسط و توسعه دین اسلام و زبان فارسی و باعث گسترش شعر و ادب و علم و هنر شد، بزرگترین خاندان شاهی هند همین خاندان گورکانی یا تیموریان هند یا مغول کبیر است که در عصر پادشاهان آن سلسله، همه هنرهای تزیینی به اوج کمال رسید. در این زمان به دلیل وجود امنیت و آسایش و فراغت خاطر در هند شاعران و هنرمندان ایرانی که از مشکلات موجود عصر

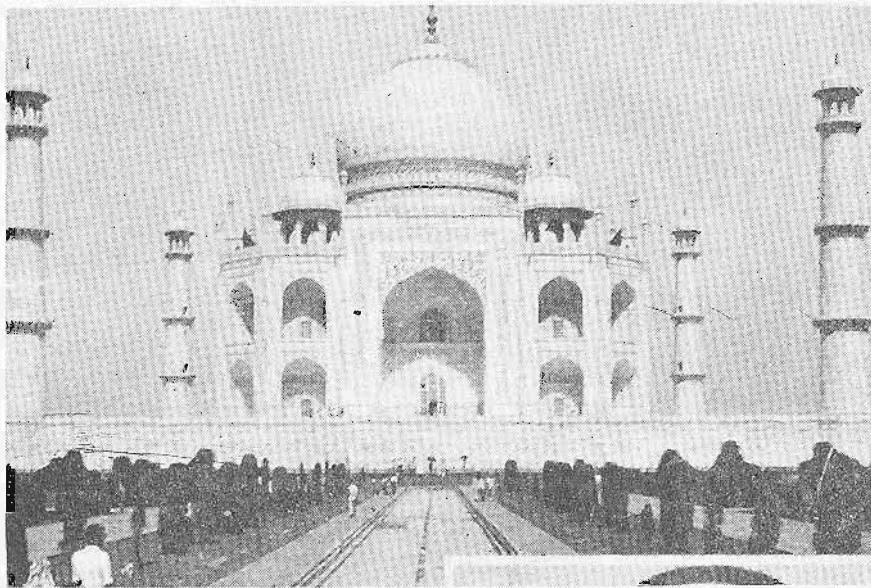
گفته‌اند وسعت کتابخانه هند در زمان شاه جهان به اندازه یک شهر بود بطوریکه شب هنگام در معابر آن نگهبانان بسیار به گشت زنی می‌پرداختند، تا گنجینه‌های کتابخانه را از دستبرد سارقان حفظ کنند.

عصر شاه جهان را باید عصر تحول فرهنگی و دوره رویدادهای مهم تاریخ هند دانست. زیرا از یک سو خود شاعر و ادیب و دانشمند بود و از سوی دیگر ادیبان و شاعران و علما و دانایان را مورد نواخت خود قرار می‌داد.

صفوی رنج می‌بردند، گروه گروه به سوی هند روی می‌آوردند. شاه جهان، شعرا و نویسندگان و نقاشان و سایر هنرمندان را می‌نواخت و شهرت عالمگیر او در آذان صله و جایزه به هنرمندان و سرایندگان و حمایت از آنان به همه جا رسیده بود. علاوه بر این خود دانشمندی توانا و شاعری بلند آوازه بود او یک ایرانی ترک نژاد بود که به زبانهای فارسی و عربی تسلط کامل داشت.

عصر شاه جهان: (جلوس ۱۰۳۷ عزی ۱۰۶۸)

عصر شاه جهان را باید عصر تحول فرهنگی و دوره رویدادهای مهم تاریخی هند دانست. زیرا از یک سو خود شاعر و ادیب و دانشمند بود و از سوی دیگر ادیبان و شاعران و علما و دانایان را مورد نواخت خود قرار می‌داد. در عصر او رونق و اعتبار و ثروت امپراتوری بابر به اعلی درجه ترقی رسید. کتابخانه عظیم جهانگیرشاهی که در عصر اکبرشاه تأسیس شده بود در زمان جهانگیرشاه از بزرگترین کتابخانه‌های عالم به حساب می‌آمد، در دوره شاه جهان به منتها درجه ترقی رسید. نسخه‌های نادر و کمیاب کتب علمی و ادبی فارسی و سایر زبانها به قیمت‌های گزاف خریداری و در این کتابخانه که بعدها به کتابخانه سلطنتی هند موسوم گردید نگهداری می‌شد. مثلاً نسخه منحصر به فرد کتاب یوسف و زلیخا به خط میرعلی و گلستان سعدی به خط خود سعدی یا محرز دیگری همزمان با وی، شاهنامه‌های خطی نفیس و مصور که بوسیله بهترین خطاطان نوشته و توسط ماهرترین نقاشان هنرمند به تصویر کشیده شده بودند و هزاران هزار نسخه‌های گرانبهای دیگر که قیمتی برای آنها متصور نبود در کتابخانه نگهداری می‌شد. گفته‌اند وسعت کتابخانه هند در زمان شاه جهان به اندازه یک شهر بود بطوریکه شب هنگام در معابر آن نگهبانان بسیار به گشت زنی



می‌پرداختند. تا گنجینه‌های کتابخانه را از دستبرد سارقان حفظ کنند. شدت علاقه شاهان بابر به سرزمین ایران، آنچنان بود که دربار آنان پیوسته پناهگاه امن و قرارگاه مناسبی برای شاعران و هنرمندان ایرانی، بود که از بد حادثه بدان دیار روی می‌آوردند.

شاه جهان به یکی از دانشمندان بنام محمد امین قزوینی فرمان داد تا کتاب تاریخ سلاطین ایران را از آغاز تا زمان او بنگارد و قزوینی به کمک عده‌ای از دیگر دانشمندان، مدت پنجمین تلاش کرد تا این کتاب عظیم را به رشته تحریر درآورد. ضمناً نقاشان برجسته مأمور شدند تا تصویرهایی به قطع بزرگ برای کتاب آماده سازند (این کتاب پس از تنظیم و تدوین به نام (پادشاه نامه) خوانده شد. این کتاب منتشر نموده‌ای از بهترین منابع تاریخی و یکی از شاهکارهای هنر خطاطی، نقاشی، جلدسازی و صحافی بوده است.

این کتاب در همان زمان توسط شاعری طباطبائی به نام نظم فارسی در بحر متقارب که همان وزن شاهنامه فردوسی است، درآمد، اما ظاهراً این کتاب امروزه در دسترس نیست.^۲

فرهنگ نویسی

فرهنگ نویسی فارسی در شبه قاره هند از سابقه طولانی برخوردار است. چنانکه در عصر سلاطین بهمنی و بابر و پس از آنها، ده‌ها فرهنگ لغت به زبان فارسی نوشته شده است در زمان خاندان بابر فرهنگهایی مثل کشف اللغات تألیف عبدالرحیم بن احمد سور، فرهنگ وفایی تألیف حسین وفایی، فرهنگ قواس به قلم مبارک شاه غزنوی موسوم به فخر قواس، فتح الکتاب توسط ابوالخیر بن سعدانصاری، مجمع اللغات بدست ابوالفضل وزیر اکبرشاه، برادر فیضی شاعر، فرهنگ جهانگیری توسط جمال‌الدین حسین شیرازی به نام جهانگیر شاه،

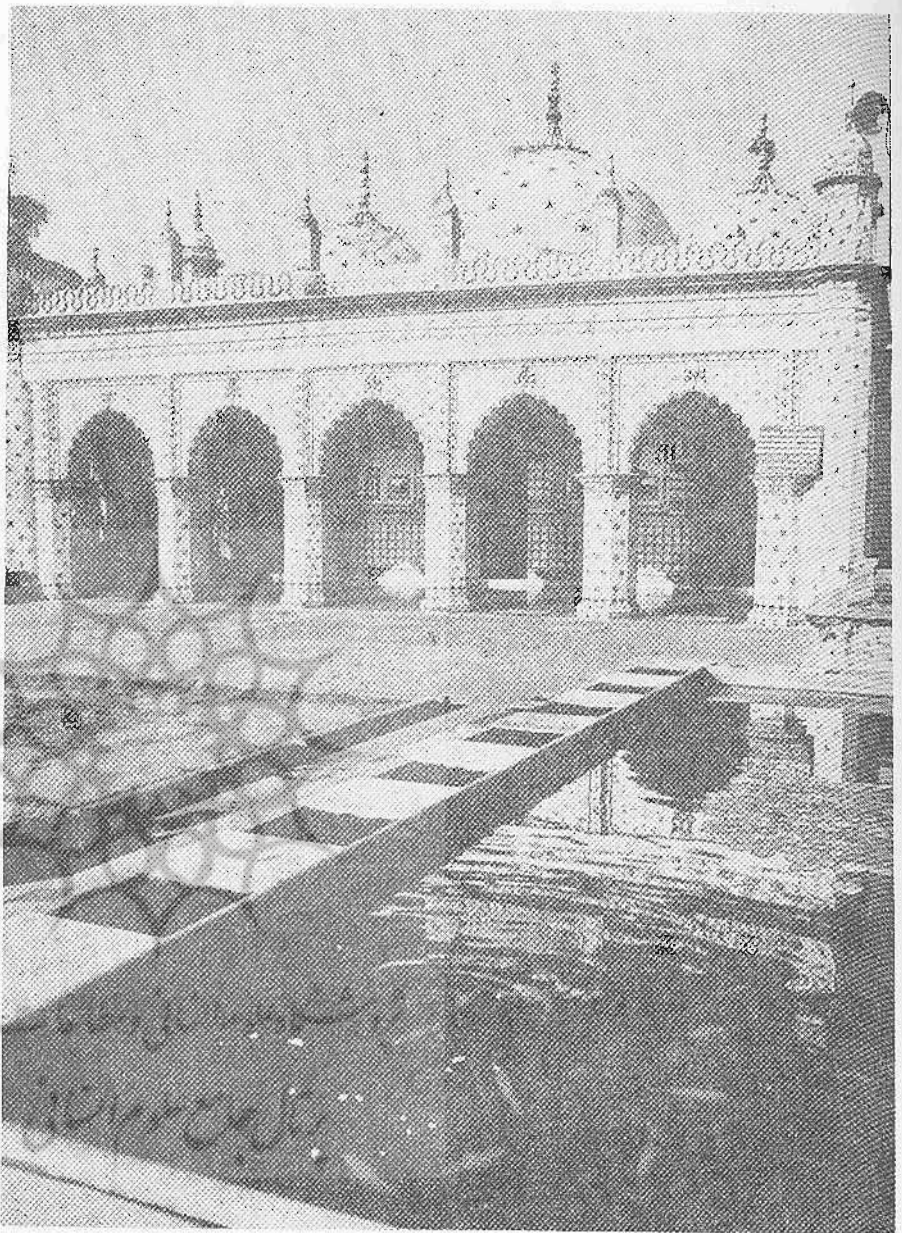
مبادله فرهنگی و طبی بین ایرانیان و هندوان سابقه بسیار داشته، مخصوصاً در دوره دولت صفوی که معاصر خاندان گورکان بابر هند بوده است و افکار علمی پزشکان هندی مورد توجه ایرانیان قرار گرفته است.

فرهنگ برهان قاطع تألیف محمدحسین بن خلف تبریزی، سراج اللغات و چراغ هدایت به قلم سراج الدین علی خان اکبرآبادی، فرهنگ رشیدی بوسیله عبدالرشید عبدالغفور حسینی و فرهنگهای دیگر مثل بهار عجم، قسطاس اللغه شمس اللغات، هفت قلم، بحر عجم غیث اللغات، آندراج و ده‌ها کتب دیگر لغت در هندوستان به زبان فارسی نوشته شده‌اند. می‌توان ادعا کرد که فرهنگ نویسی در هند، سابقه‌ای بیشتر از آنچه در ایران دارد، داشته است. در عصر شاه جهان چهار لغت نامه فارسی نوشته شد. یکی فرهنگ رشیدی به کوشش عبدالرشید عبدالغفور حسینی، دیگری منتخب اللغات شاه جهانی که در تدوین آن علاوه بر دانشمندان بسیار، خود شاه جهان نیز شرکت داشته است. سوم دایرة المعارف علمی فارسی به نام (چهار عنصر دانش) که به فرمان شاه جهان، ده‌ها دانشمند به تدوین و تألیف آن همت گذاشتند و چهارم فرهنگ سروری تألیف محمد قاسم کاشی سروری.

ستاره شناسی

در زمان شاه جهان به نجوم و ستاره‌شناسی توجه و علاقه مخصوصی مبذول شد به فرمان او رصدخانه معتبری جهت انجام کارهای علمی و رصد کردن ستارگان و

مشهورترین کتاب او (الالفاظ الادویه) است که به نام ولی نعمت خود شاه جهان تألیف نمود^۳ به قول محققان، این کتاب در نوع خود یکی از بهترین کتب درمان‌شناسی به زبان فارسی بوده است. عین الملک حکیم بعدها با خواهر فیض، شاعر معروف پارسی زبان هند ازدواج کرد. فیضی برادر ابوالفضل وزیراکبرشاه بود. عین الملک علاوه بر طب، در شعر و شاعری نیز ذوق سرشاری داشت. یکی دیگر از پزشکان دربار شاه جهان، حکیم فتح اله شیرازی بود که هنگام قتل عام شاه اسماعیل دوم، به هند گریخت و در دربار شاه جهان، حرمت یافت. امیر فتح الله فرزند حکیم ابوالقاسم شیرازی و نوه امیر فتح الله گیلانی بود که خود و برادرش محمدصالح در آغاز در اصفهان به شغل طبابت مشغول بودند. اما پس از فرار فتح اله محمدصالح نیز، مانند در وطن را بخاطر ناسازگارهای دولت صفوی جایز ندانست و به هند رفت و در کنار برادرش در خدمت شاه جهان به شغل طبابت مشغول شد. (یکی از زنان پزشک و دانشمند، ذات النساء خواهر طالب آملی شاعر مشهور بود او از سوی شاه جهان به طبابت و ندیمی حره‌سرا و ملکه - ممتاز محل - منصوب شد و بعداً پزشک مخصوص جهان آرا دختر شاه جهان گردید. طیب دیگری از خاندان ذات النساء حکیم ضیاء الدین بود که او هم با خواهر بزرگ طالب آملی ازدواج کرد ضیاء الدین نیز به جمع پزشکان دربار شاه جهان پیوست)^۴ در حقیقت دربار شاه جهان پناهگاهی امن بود برای اطباء مشهور ایرانی، پزشکانی که تعصبات و کج رویهای عصر صفوی را بر نمی‌تابیدند و یگان‌یکان خاک وطن را به قصد دیاری دیگر ترک کردند و قرارگاه راحت خود را در هند می‌یافتند. شاهزادگان بآبروی هند نیز علاوه بر این که این



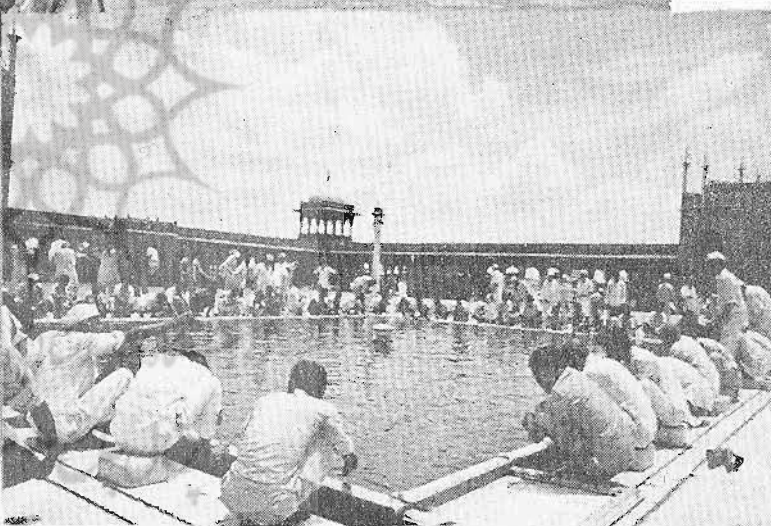
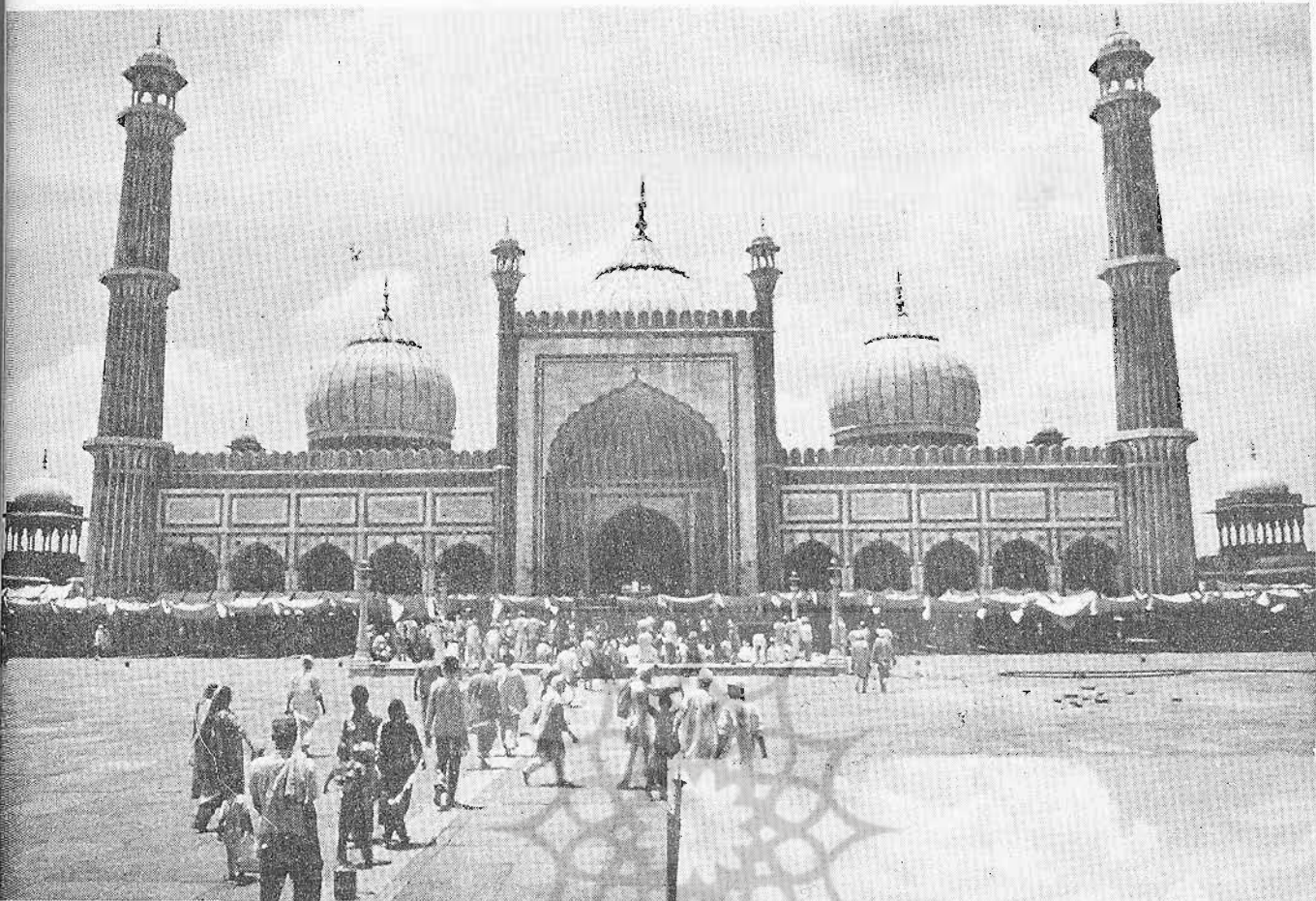
سینا در هنگام بحث درمان‌شناسی از داروها و پزشکان هندی یاد کرده است. مبادله فرهنگی و طبیبی بین ایرانیان و هندوان سابقه بسیار داشته، مخصوصاً در دوره دولت صفوی که معاصر خاندان گورکان بآبروی هند بوده است و افکار علمی پزشکان هندی مورد توجه ایرانیان قرار گرفته است. بهاء الدوله از پزشکان هندی نیز در ری و هرات طبابت می‌کرده است. در این عصر پزشکان بسیار از ایران به هند روی آوردند و علم پزشکی در دوره سلاطین گورکانی مخصوصاً در زمان شاه جهان اعتلا یافت. (از میان پزشکانی که بواسطه مشکلات داخلی و هرج و مرجهای عصر صفوی در ایران به هند پناه بردند یکی نورالدین محمد بن عبدالله حکیم شیرازی است که

سیارات ساخته شد و کتاب عظیم (زیج شاه جهانی) در همین زمان و به فرمان وی نوشته شد. رئیس رصدخانه شاه جهانی، یک دانشمند شیرازی بود به نام خواجه شیرازی که چندین منجم و محقق زیر نظر او به کار تحقیق و رصد کردن ستارگان مشغول بودند.

پزشکی

بطور قطع سرزمین هند را می‌توان یکی از مراکز مهم پزشکی آن زمان در جهان به شمار آورد. زیرا داروها و روشهای درمانی و پزشکی هندوان در طول تاریخ بی‌نهایت مورد توجه بوده است. بطوریکه حتی پزشکان ایرانی را نیز تحت تأثیر قرار می‌داده، چنانکه مثلاً این





شعر و شاعری

بدون شک عصر باری یا گورکانی هند را می توان عصر رواج شعر و شاعری و توسعه زبان و ادب پارسی در شبه قاره هند به شمار آورد. باریان هند اگر چه به مغول پیوند داشته و به مغول کبیر مشهور بوده اند؛ اما تبار واقعی آنان ایرانی بوده است و به دلیل مرادفات های فرهنگی و ارتباط های سیاسی بین صفویان و باریان و نیز دل بستگی و پیوستگی دو ملت بزرگ و کهنسال ایران و هند که دارای سابقه ای باستانی و تاریخی است، زبان فارسی بصورت زبان دوم مردم هند درآمد و تا امروزه نیز لغات فارسی بسیار در زبان آن سرزمین یافت می شود و زبان اردو که به معنی زبان مخلوط است در حقیقت مخلوطی از زبان فارسی و سانسکریت می باشد. ادبا و شاعران فارسی زبان هند، چه در عصر سلاطین سلسله بهمنی و چه در دوره گورکانیان به سه گروه تقسیم می شدند. مهاجران ایرانی، مسلمانان بومی و هندوانی که فارسی آموخته و بدان آشنائی داشتند. گروه دیگر اروپائیان بودند که در هند مقیم بودند و زبان فارسی را می دانستند و بالاخره کسانی که در خارج یا داخل هند از فرهنگ و زبان فارسی بهره برده و به یکی از زبان های اروپایی یا بومی هند نامه ها یا اشعاری را می نوشتند. از عارفان

طاعات فرهنگی
انسانی

عظیم با کشور ایران سابقه ای بسیار طولانی دارد و سلاطین صفوی با سلاطین گورکانی هند روابط حسنه داشته اند و گورکانیان خود رامدیون ایرانیان می دانسته اند. زیرا از یکسو هنگامی که خواهر ظهیرالدین محمد بنیانگذار سلسله باری در جنگ مرو به دست شاه اسماعیل صفوی اسیر شد، شاه اسماعیل او را با عزت و احترام به سوی برادرش بازگرداند و از سوتی دیگر وقتی که همایون شاه فرزند بابر در طغیان و شورش دهلی از هند اخراج شد، به دربار شاه طهماسب پناه برد و شاه طهماسب او را با احترام پذیرفت و او را با سپاهی عظیم به سوی هند روانه نمود و او به کمک سپاه ایران سلطنت از دست رفته خود را باز پس گرفت. این وقایع نیز به آمد و رفت و مرادده بین ایرانیان و هندوان تحکیم بخشید.

دانشمندان و ادیان را می نواختند، خود غالباً طیب، ادیب یا فاضلی توانا بودند. چنانکه دارا شکوه فرزند شاه جهان که پس از مرگ پدر به دست برادر خود اورنگ زیب اسیر شد و به قتل رسید، نسبت به پزشکان مهاجر نظر بسیار مساعدی داشت و بزرگترین طیب دربار او نورالدین محمد فرزند عین الملک طیب شیرازی بود. دارا شکوه با فراهم ساختن مهمترین کتاب پزشکی دوره گورکانیان یعنی طب داراشکوهی بزرگترین خدمت را به علم پزشکی هند انجام داد. پزشکان متعدد دیگر چه ایرانی و چه هندی در طول سلطنت باری، مخصوصاً جهانگیر و اکبر و شاه جهان و اورنگ زیب، کوشش های بسیار در این امر مهم به کار بردند. روابط سیاسی، اقتصادی، فرهنگی بین این کشور

برجسته عصر بهمنی می توان از شیخ معین الدین چشتی^۴ سیستانی یا اصفهانی یاد کرد که خود واضع و بنیانگذار سلسله منابع چشتیه هند است و از معروفترین عرفای این دیار محسوب می شود که در جای خود از عرفای هند بحث خواهد شد. شاعران و سخنوران ایرانی نامی این عصر که در دربار بایران می زیستند بسیار بوده اند و مشهورترین آنان عبارتند از ظهیری، ترشیزی، نظیری نیشابوری، طالب آملی، صائب تبریزی، حکیم کاشانی، عرفی شیرازی، حزمین لاهیجی و کلیم کاشانی و شاعران پارسی گوی نامی شبه قاره هند در عصر بایری عبارتند بوده اند از: بیرم خان، فیضی فیاض معروف به دکئی، ابوالفضل علائی، منیر لاهوری، قدسی دارا شکوه فرزند شاه جهان غنی کشمیری، سرمد برهمن لاهوری، بیدل دهلوی، غنیمت کنجاهی، ناصر علی سرهندی، غالب دهلوی و غیره.

از مورخان و محققان نامی ایرانی هند نیز می توان از نورالدین محمد عوفی صاحب کتابهای لیاب الالیاب و جوامع الحکایات، علی بن عثمان جلابی هجویری مؤلف کتاب کشف المحجوب، منهاج الدین سراج جوزجانی مؤلف کتاب طبقات ناصری صدرالدین نیشابوری مؤلف تاج العائر، شیخ ابوالفضل بن شیخ مبارک که اصل او از یمن بود و تاریخ اکبرشاهی را به زبان فصیح و روان فارسی نوشت و احمد بن نصرالله، معاصر اکبرشاه گورکانی مؤلف تاریخ هزارساله اسلام به نام تاریخ الفی که آثاره فرمان اکبرشاه نوشت و در سال ۹۹۷ به پایان رساند، عبدالقادر بدواتی از مورخان عصر اکبرشاه و مؤلف کتاب منتخب التواریخ، محمد قاسم هندوشاه فرشته استرآبادی مؤلف کتاب بسیار مشهور تاریخ فرشته که یکی از مهمترین کتب تاریخی هند است، و ده ها مورخ دیگر یاد کرد. از مورخان و فرهنگ نویسان عهد شاه جهان نیز کسانی مثل محمد یوسف مؤلف کتاب دیگری به نام منتخب التواریخ، برهان الدین محمد حسینی بن خلف تبریزی مؤلف فرهنگ برهان قاطع، عبدالرشید تقوی مؤلف فرهنگ رشیدی و مورخان دیگر را برشمرد در واقع عصر شاه جهان عصر رواج و رونق تاریخ و فرهنگ نویسی بوده است.

شاعران و ادیبان عصر شاه جهان

روزگار طلانی شعر در هند با پادشاهی اکبرشاه بزرگترین پادشاه سلسله بایری یا مغول کبیر آغاز گشت. پیش از او نیز شاعران بسیاری در هند می زیسته اند اما در زمان اکبرشاه تحول تازه ای در تشویق شاعران پارسی گوی ایجاد شد.

شاعران مشهور دربار او فیضی فیاضی (دکئی) (۹۵۴-۹۹۹ ه.ق) نظیری نیشابوری (ف ۱۰۲۱) عرفی شیرازی (۶۹۳-۹۹۹ ه.ق) طالب آملی (فوت ۱۰۳۶ ه.ق) غزالی مشهدی، همام گیلانی، آذر کیوان، احسان الله تربتی، بابا طالب اصفهانی و ده ها شاعر دیگر

بوده اند.

شاعران عصر جهانگیر شاه نیز تقریباً همان شاعران بودند که در زمان پدرش اکبر می زیستند که از شهرت فراوان برخوردار بودند از مشهورترین آنان کلیم کاشانی (فوت ۱۰۶۱ ه.ق) ملک الشعراء دربار شاه جهان غنی کشمیری (ف ۱۰۷۷) صائب تبریزی (۱۰۱۶-۱۰۸۱)، قدسی مشهدی (ف ۱۰۶۵ ه.ق)، میرنومن استرآباد (ف ۱۰۳۴ ه.ق)، رافع قزوینی مشهدی که در دربار شاه جهان رتبه پانصد سوار داشت. نوعی خیوشانی (ف ۱۰۱۹)، میر سعید اصفهانی تهرانی، سالک یزدی (ف ۱۰۸۱)، سیرا مبارک ساوهای (ف ۱۰۵۸)، میرزا غیاث الدین بیگ تهرانی پدر ملکه نورجهان عصر جهانگیر شاه، و شاهزاده داراشکوه فرزند شاه جهان که حامی شاعران و خود شاعر و ادیب دانشمند بوده و ده ها شاعر دیگر بوده اند. در دوران اورنگ زیب فرزند دیگر شاه جهان که تقریباً سلطنت بایریان در اواخر عصر او رو به افول رفت و منصب ملک الشعراء دربار حذف شد نیز شاعرانی می زیسته اند.

آیناتی از شاعران پارسی گوی عصر شاه جهان: کلیم کاشانی:

پیری رسید و نوبت طبع جوان گشت
ضعف تن از تحمل رطل گران گذشت
بدنامی حیات دوروزی نبود پیش
آن هم کلیم باتوبگویم چسان گذشت
یکروز صرف بستن دل شد به این و آن
روز دگر به کنندن دل زین و آن گذشت

صائب تبریزی:

خوش آنکه از دو جهان گوشه غمی دارد
شمشیر سربه گریبان سانس می دارد
تو سرده صمیمت دل نیستی چه می دانی
که سربه جیب کشیدن چه عالمی دارد
لبس پیاله نسبی آید از نشاط به هم
زمین میکند خوش خاک بی غمی دارد
تو محو عالم فکر خودی، نسبی دانی
که فکر صائب ما نیز عالمی دارد
نوعی خیوشانی:

بشکن دلیم که رایحه درد بشنوی
کس از برون شیشه نسوید گلاب را

آسمان را کاش تعمیر می کند معمار عشق
تا بداند خانه نوعی پورا آباد نیست

معماری

فرمانروایان منول هند به معماری، نقاشی، موسیقی و ادبیات علاقه بسیار داشتند. در عصر آنان قصرها و مساجد بسیار بر پا شد و به آبادانی و توسعه شهرها افزوده گردید. عظمت مصوی و شکوه و جلال این بناها مرهون روح زیباشناسی و زیباشناسی آنها بود. آنها برای بر پا داشتن بناهای هنری از وجود طراحان و مهندسان ایرانی مسلمان و نیز هندوها و کسانی که از سایر نقاط می آوردند استفاده می کردند.



بزرگترین موفقیت معماری اکبرشاه ساختن شهر تازه‌ای در نزدیک اگر بود بنام (فتح پورسیکری) یا شهر پیروزی. این شهر تازه که در برابر لندن همان روز بود در نهایت زیبایی از سنگهای قرمز ساخته شده و اصول معماری ایرانی و هندی را به هم آمیخته بود. در دربار اکبرشاه صد نفر نقاش کار می‌کردند. که اکثراً هندی یا از بازماندگان مهاجرین ایرانی بودند. نقاشان هند خود شیوه جدیدی در نقاشی هند می‌خواندند.

در زمان سلطنت جهانگیر نیز بر رونق معماری هند افزوده شد. ملکه نورجهان یا نورمحل همسر جهانگیر دختر غیاث الدین بیگ شیرازی بود. ملکه بسیار نودوست و یتیم پرور بود. در سیاست مملکت دخالت بسیار داشت و جهانگیر به نام او سکه زد. ملکه نورجهان عطر گل سرخ را اختراع کرد. به سر پرستی او بیمارستانهای متعدد در هند ساخته شد. حاصل ازدواج جهانگیر با نورمحل یا نورجهان فرزندشان، شاه جهان بود.^۶

شاه جهان، به معماری و نقاشی و آثار هنری و ساختن بناهای باشکوه و مجلل علاقه فراوان داشت. او معاصر کوئی چهاردهم پادشاه معروف فرانسه بود و دوران سلطنت او مصادف بود با جنگهای سی ساله که اروپا را ویران می‌ساخت. در همان زمان که کاخ (ورسای) در نزدیک پاریس شکل می‌گرفت، شاه جهان نیز در هند بنای زیبای تاج محل و مسجد مروارید را در شهر اگره (اگره) می‌ساخت. همچنین مسجد جامع دهلی، دیوان عام و دیوان خاص در کاخهای سلطنتی از یادگارهای اوست. این بناهای زیبا با زیباییهای افسانه‌ای خود مظهر اوج عظمت و شکوه مغولان هند می‌باشند. در بار دهلی با تخت طاووس باشکوهش خیلی مجلل تر و باشکوه تر و پرتجمل تر از ورسای بود. اما آن هم مانند ورسای در میان مردم فقیر و مصیبت کش و استعمارزده نُناشده بود در همان زمان در نواحی گجرات و دکن در هند خشکسالی و قحط هولناکی پیش آمد.^۸

(تخت طاووس از روی تختی که زیب و زیور قصر سلاطین (بیجاپور) هند بود ساخته شده و میزان قیمت آن در آن زمان شش کروڑ روپیه برآورده شده بود)^۹ شاه جهان تاج محل را برای دفن همسر محبوبش (ممتاز محل) بنا کرده بود. این ساختمان که یکی از زیباترین و باشکوه ترین بناهای عالم است، از سنگ یک پارچه مرمر شفاف بنا شده و در نقوش آن صدها هزار سنگهای گرانها مصرف شده است.

(بناهای شاه جهان غالباً بوسیله کتیبه‌هایی به خط خوش فارسی مزین می‌شد. مثلاً بنای کاروانسرای زیبائی در شهر (سورات) از نواحی گجرات دارای کتیبه‌ای است که این اشعار به خط خوش روی آن نوشته شده است)^{۱۰}

به نام فرزند مهورماه
بسدوران شاه جهان پادشاه

* در همان زمان که کاخ ورسای در نزدیک پاریس شکل می‌گرفت، شاه جهان نیز در هند بنای زیبای تاج محل و مسجد مروارید را در شهر «اگره» می‌ساخت.

بناکردن حقیقت مرثت
بصورت، سرائی به معنی بهشت

عمارت خوابگاه در قلعه سرخ دهلی نیز از یادگارهای شاه جهان است که عبارات و ابیاتی به آب طلا برکتی و دیوار آن نوشته شده است.

شهنشاه آفاق، شاه جهان
به اقبال، ثانی وصاحب قران
در ایوان شاهی به صد احتشام
چو خورشید بر چرخ باد ادمام
اساسی است تا ناگزیر این بنا

بود قصر اقبال او عرش ما
در قلعه سرخ که ارگ سلطنتی بوده عمارت دیوان خاص که از بناهای شاه جهان است، با شکوه بسیار جلوه‌گری می‌کند. اشعار روی کتیبه آن سروده ابوطالب کلیم کاشانی است.

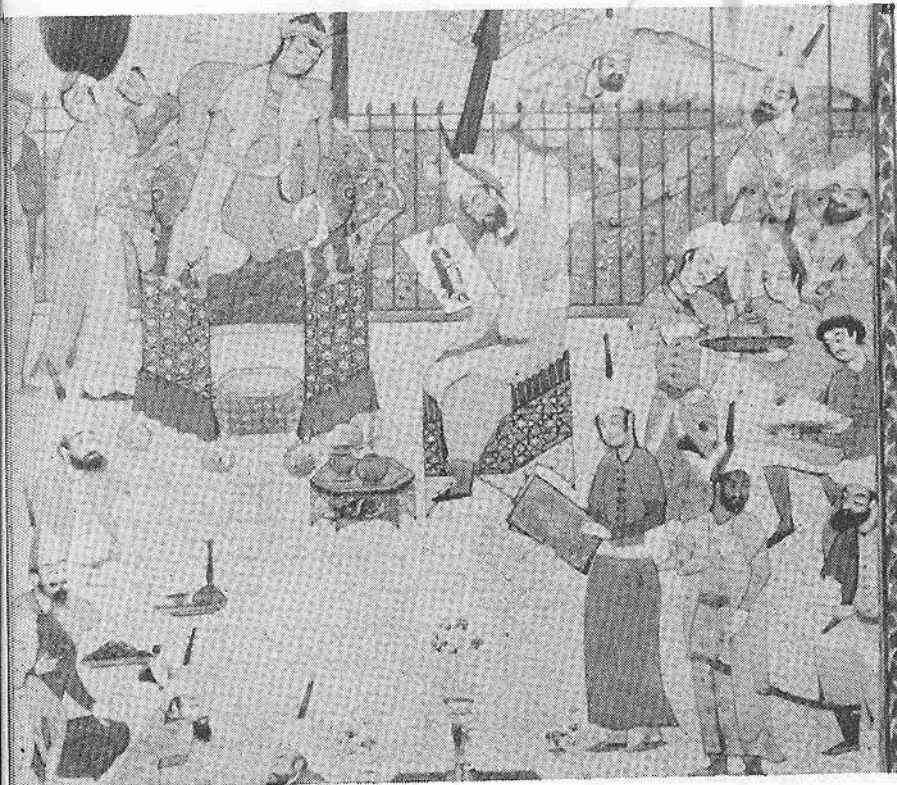
پیش دولت سرائی شاه جهان
طاق کسری جبین نهد بر خاک
طاق ایوان پادشاه جهان
باد محراب انجم و افلاک

مساجد بسیاری از دوره فرمانروایان مغول هند و جمله شاه جهان برجای مانده است. مسجد الله آباد که بانی آن شایسته خان از امرای شاه جهان بوده است مسجد جامع اکبرآباد در شهر (اگره) در نزدیکی قلعه سرخ بنای جهان آرا بیگم سومین دختر شاه جهان که خرد دارای کتیبه مفصلی به خط فارسی است.

مسجد جامع دهلی، از مهمترین و زیباترین مساجد هند، مسجد جامع دهلی یا مسجد جهان نما است که در شهر شاه جهان آباد (دهلی کهنه) واقع است. این مسجد به فرمان شاه جهان با سنگ مرمر سفید در مدت شش سال ساخته شده و دارای کتیبه زیبایی است به خط خوش فارسی که شامل ده خانه مربع مستطیل است و در هر خانه سه سطر نوشته شده است.

مسجد شاه جهان در پشت آرامگاه خواجه معین الدین چشتی عارف شهر قرن هفتم، در شهر (اجمیر) که گفته اند شاه جهان به او ارادت خاصی داشت و چهل هزار روپیه را صرف بنای این مسجد کرد. در سال ۱۰۴۷ ابوطالب کلیم ما ده تاریخ آن را بدین گونه بیان کرده است:

مسجدی کان کعبه ثانی است تاریخش بود «کعبه حاجات دنیا، مسجد شاه جهان» شاه جهان همچنین دروازه بلندی در مدخل آرامگاه چشتی ساخته که در دو طرف دروازه دو ترنج منقوش است و در وسط یکی از آن‌ها کلمه مبارکه لا اله الا الله محمد رسول الله و در وسط ترنج دیگر این مصرع نوشته شده (به عهد شاه جهان شاهان دین پرور).



بنای بزرگ و مجللی است در شهر آگرا (اگره) در ساحل رود (جننا) در هند که آرامگاه شاه جهان و زوجه محبوبش - ممتاز محل - می باشد. این بنا یکی از زیباترین بناهای جهان و عالیترین نمونه معماری اسلامی در هندوستان است. بنای آن پس از وفات ممتاز محل (۱۰۴۰ هـ. ق/ ۱۶۳۱ م) به امر شاه جهان آغاز گردید. شولایی از بهترین معماران امپراتوری تشکیل شد و سرانجام طرح اسناد عیسوی شیرازی مورد قبول شد و ساختمان و بناهای وابسته به آن پس از بیست و دو سال به اتمام رسید و در این مدت تعداد بیست هزار کارگر و مهندس و معمار در آن مشغول به کار بودند. ناج محل در باغی بنا شده که فواره ها و حوضخانه های مرمر پوش آن را زینت داده اند. درختان سرو از سه جانب عمارت را در میان گرفته اند و تصویر بنا در استخری مستطیل شکل می افتد. رویه مرمرین بنا با سنگهای نیمه قیمتی تزیین شده است. گنبد پیازی شکل آن به میلای منتهی می شود که هلالی بر فراز آن نصب شده است. ارتفاع گنبد ۲۴/۵ متر و قطر آن بیش از ۱۵ متر است. دو مناره در دو طرف بنا قرار دارد آرامگاه شاه جهان و ملکه ممتاز محل در اطاق هشت گوشه ای در مرکز بنا قرار دارد. نور ملابمی از میان صحنه های دوگانه مرمرین و مزین در بالای دیوارها عبور می کند و اطاق را روشن می سازد. مدفن ممتاز محل دارای تاریخ ۱۰۴۰ هـ. ق و مدفن شاه جهان مویخ به ۱۰۷۶ هـ. ق است. امضای امانت خان شیرازی و تاریخ ۱۰۴۸ هـ. ق در پایمان کتیبه داخل حرم مرقوم است. ممتاز محل که در هنگام وضع حمل درگذشت، از شوهرش خواسته بود که پس از وی زن نگیرد و برای او مقبره ای بسازد تا بدان وسیله نام او جاودان بماند. این مقبره کلاً از مرمر سفید شفاف است با نقش های الوان و کتیبه هایی به خط عربی دارد. که آیات قرآن بر آنها نوشته شده است و ضریح پادشاه و ملکه از مرمر یک پارچه سفید ساخته شده اند.^{۱۱}

دین:

آنچنان که مشهور است سلاطین بابری، مغولان مسلمان شده بودند که گهگاه در ترویج و تبلیغ عقاید دینی خود بسیار متعصب بودند. اما ظاهراً مسلمان بودن واقعی محمد ظهیرالدین بنیان گذار سلسله مغول هند قابل تردید است. چنانکه جواهر لعل نهرو در کتاب «کشف هند» اظهار داشته:

(گرایش ظهیرالدین پابر به مذهب (شامانی) یا (شامانی) بیشتر قابل قبول است. نهرو می گوید شامانی دارای مفهوم مشخصی نیست و شاید مذهب شامانی همان باشد که عربها به بوداییان می گفته اند)^{۱۱} اما او پایتخت خود را در شهر مسلمان نشین دهلی مستقر ساخت

و کوشید که بین مسلمانان و هندوان روابط حسنه برقرار سازد. اکیرشاه که خود مسلمانی متعصب بود و مساجد متعددی را در هند بنا نهاد، هندوان را نیز در اداره امر کشور شرکت داد و (امپراطوری خود را بر پایه دوستی هندوان و مسلمانان قرار داد).^{۱۲} جهانگیر و شاه جهان نیز در اعتقادات اسلامی خود پایبند و متعصب بودند. شاه جهان برای ساختن مساجد اسلامی عبالغ هنگفتی راهزین کرد. شاهان بابری کوشی فراوان داشتند تا بین مذاهب متحد در سرزمین پهنای هند روابط حسنه و دوستانه برقرار سازند. به همین دلیل سالیان دراز مسلمانان و هندوان این سرزمین در کمال آرامش در کنار هم زیستند و اگر بعدها اختلاف بسیاری بین آنها در گرفت بر اثر نفوذ استعمارگران بریتانیایی بود که از زمان سلطنت اورنگ زیب به بعد پیشان در این سرزمین پهنای باز شد که این مقال از حوصله این بحث خارج است.

اوضاع اجتماعی و اقتصادی

چنانکه می دانیم سرزمین پهنای هند پیوسته جمع اضدادی بوده است بین - مذاهب متعدد، زبانهای بسیار و لهجه های گوناگون و آراء و عقاید متنوع و فراوان تکیه زدن بر اریکه قدرت در این سرزمین پهنای و عظیم و باستانی مخصوصاً در گذشته، پایا داشت به یک دیکتاتوری مطلق که کوچکترین خطائی را غیر قابل گذشت بداند، نفس را در سینه ها حبس کند، زبانها را ببرد و علم و آگاهی و بیداری و هوشیاری را از جامعه دور بدارد، و یا یک حکومت با تدبیر پراز اندیشه و رای هوشیار و مجرب و دلسوز و کارآزموده، تا بتواند سدهای اختلاف را از میان بردارد و در بین ملیت ها و اقلیت های مختلف صلح و سلم و صفا برقرار سازد.

بدیهی است که سلاطین مغول هند اساس حکومت خود را بر پایه صلح و دوستی برقرار ساختند و ارتباط تنگاتنگ بین پیروان مذاهب و مسلک های مختلف برقرار کردند آنها نیز به دو طریق عمل کردند هم بدو و بخشش و عمران و آبادانی کشور هم سختگیری و سخت کوشی بسیار. بدیهی است نمی توان پذیرفت که در عهد سلاطین قدرتمند و پردرآمد بابری در گوشه این سرزمین پهنای فقر، بدبختی، خشکسالی، بیماری و جهل و فساد وجود نداشته است. شبه قاره عظیم هند که در هند شمالی، دکن و هند جنوبی تقسیم شده است و در گذشته پاکستان و بنگلادش نیز بدان پیوند داشته اند از آنچنان تنوع افکار عقاید مذهب، زبان، آب و هوا و اقتصاد و آداب فرهنگ برخوردار بوده که تأمل کامل در این عوامل نیاز به فرصت فراوان دارد. بدون تردید، حکومت کردن بر چنین سرزمین وسیعی کار آسانی نمی نماید زیرا هر چند کوشش گردد که اثرات عمران و آبادی در یک منطقه آشکار گردد، بسیاری مناطق دیگر ممکن است از مواهب طبیعی بهره مند باشند. اما از ترقیات و پیشرفتهای اجتماعی محروم شده باشند و گاهی ممکن است بعضی

از مناطق نه مورد توجه قرار گیرند و نه از موهبت های طبیعی برخوردار باشند. بنابراین طبیعی است که در عهد فرمانروایان مغول نیز به پاره ای از نقاط توجه بسیار شده و بعضی از مناطق به کلی فراموش گشته اند: در دوره ای که زیباترین و پرشکوهترین بنای تاریخ در کنار پایتخت ساخته می شده و شاهزاده خانمهای بابری برای یک بیت شعر هزاران روپیه به شاعران می بخشیده اند چنانکه شاهزاده جهان آرا بیگم دختر شاه جهان یکبار بخاطر سرودن یک ثنوی در توصیف باغ شاهی به رافع قزوینی شاعر دربار بانصد روپیه جایزه داد و بار دیگر که همین شاهزاده نقیاب پارچه نازکی بر صورت داشت و در باغ قصر قدم می زد، میرسعیدی اصفهانی شاعر دیگر دربار در زیبایی و لطافت نقاب او بیستی سرود و فوراً پنج هزار روپیه انعام گرفت، و در عصری که شاهان بابری غرق زر و زیور جهانی از کوچکترین لحظات زندگی لذت می بردند و بهره مند می شدند و بر تخت طلائی طاووس تکیه می زدند، در همین زمان بسیار مناطقی در این سرزمین وسیع و پهنای بوده است که مردم آن با فقر و تهیدستی و بیماری و خرافات دست و پنجه نرم می کرده اند. اما در عین حال و با تمام این احوال باید گفت که دوره سلاطین بابری را می توان عصر طلائی سرزمین هند نامید. عصری که سیطره فرهنگ و شهرت و اعتبار هند به اقصی نقاط جهان رسید و ثروت و مکننت هند زبان زد خاص و عام گردید تا جائیکه غارتگران و متجاوزان بیگانه مخصوصاً اروپائیان برای بلعیدن سرمایه های ملی این سرزمین دندان تیز کردند و باهم به رقابت پرداختند و سرانجام در اواخر عصر سلاطین مغول یا بابری هند پای متجاوزان و استعمارگران مخصوصاً انگلیسی ها بدین منطقه کشیده شد. ■

یادداشتها:

- ۱- ویلیام ارسکین (ایران و بابر) ترجمه و اقتباس ذبیح الله منصور تهران. انتشارات فرزین ۱۳۶۶
- ۲- همان
- ۳- سیریل الگود (تاریخ پزشکی ایران) ترجمه دکتر باهر فوقانی تهران امیرکبیر ۱۳۵۶/ ص ۴۲۰
- ۴- سیریل الگود (طب در دوره صفویه) ترجمه محسن جاویدان تهران، دانشگاه/ ۱۳۵۷/ ص ۹۵
- ۵- ر. ک. دکتر غلامعلی آریا (طریقه چشمه در هند و پاکستان) تهران، زوآر ۱۳۶۵
- ۶- مانورا ماموداک (سرزمین مردم هند) ترجمه امیرفریدون گرگانی تهران ترجمه و نشر کتاب ۱۳۴۵ ص ۱۰۹-۱۱۰
- ۷- جواهر لعل نهرو (کشف هند) ترجمه محمد فضل ج ۱ تهران امیرکبیر ۱۳۵۰ ص ۴۴۷
- ۸- ث. ف. دولفور (تاریخ هند) ترجمه سید محمدتقی فخردلفی گیلانی، از نشریات کمیسیون معارف چاپ مجلس ۱۳۱۶ ص ۱۶۰
- ۹- علی اصغر حکمت (نقش پارسی بر احجاز هند) تهران ابن سینا ۱۳۳۷
- ۱۰- غلامحسین مصاحب (دایرة المعارف فارسی) ج ۱ و کنت نامه دهخدا
- ۱۱- جواهر لعل نهرو (کشف هند) ص ۳۸۲
- ۱۲- مانورا ماموداک (سرزمین مردم هند) ص ۱۰۶

دکتر حکیمه دبیران

سخنهای توصیبات از حقیقت بهره‌ای دارد که عارف می‌شود هر کس به دیوان تو می‌گردد تعبیرات و توصیفات عرفانی که حاکی از صفای دل و پاک‌ی روح صائب می‌باشد، در بسیاری از غزلیاتش دیده می‌شود و نمایانگر این حقیقت است که با بلند همتی و عدم توجه به مظاهر دنیا، سعی در شناخت دقیق پدیده‌های عالم خلقت دارد، تا از این رهگذر در روشنایی صبح معرفت، دیدار خود را به جمال دلدار روشن سازد. می‌کند باد صبا هر روز پیش از آفتاب مصحف خلق ترا از بوی گل تفسیرها

اگرچه با نام صائب، همواره سبک‌خاص او (هندی یا اصفهانی)، و بیان مضامین دقیق و باریک اندیشی تداعی می‌شود، لیکن محققین آثارش، خصوصیات دیگر شعر او را نیز به نظر فرار داده و بیانگارش شرح احوال و ترتیب دادن گلچینی از اشعار وی و منتخبات موضوعی، متذکر دیگر جنبه‌های مهم شعری وی گشته‌اند مرحوم استاد امیری فیروزکوهی در مقدمه دیوان صائب می‌نویسد: «آنان که شعر را بحق زبان دل و ترجمان عواطف و احساسات و تجسم حالات، و ادراک دقیق احوال و نهفته‌های عقلی و حسی و تأثر و انفعال از عوارض نفسانی و بیان ذوقیات و وجدانیات و تخیلات و چیزهایی از این قبیل می‌دانند، قهراً «به کیفیت کلام صائب معرفت کامل حاصل کرده، و به عظمت مقام وی معترف خواهند شد» می‌توان ادعا کرد که هیچ مضمون و دقیقه‌ای از مضامین و دقائق خلقی، از عقلی و حسی و عرفانی و اخلاقی و عشقی و امثالهم وجود ندارد که از نظر این مرد پوشیده مانده باشد.

برای جستجوی مضامین عرفانی در دیوان صائب، نخست به تمامی ابیات اولین غزل او که طبعه صبح معرفت است نظری می‌افکنیم، و در آثای آن به تفحص در اوراق دیگر دفتر او می‌پردازیم تا هرگاه توفیق دست دهد گلستان عرفانی وی را فراهم آوریم، باشد که این بار بجای بحث درباره سنگینی الفاظ و رنگینی مضامین و تشبیهات وی، معانی بلند عارفانه او را مد نظر قرار دهیم.

